

حقیقت

۷۳

شماره ۲۳۵ ۱۰ خرداد ۱۳۵۸

در این شماره :

فلاحی مزدوری که در فکر کودتاست ص ۸
 زندگی کن کرد و کردستان ص ۸
 زندانیان سیاسی دانشگاه
 بابت آزادگردند! ص ۶
 توطئه علیه معلمین آقا و مبارزان
 را در هم شکنیم ص ۶

سائگرد ۱۵ خرداد را گراهی بداریم و توطئه نیروهای ضد انقلابی را خنثی کنیم

بر حمایت خود از کردستان مقاوم بیافزائید

سالروز قیام شکوهمند و خونین ۱۵ خرداد ۱۳۲۲ فرا رسیده و یادآور است از حماسه بزرگ مردم ما بر علیه رژیم غدار محمد رضا شاه ۱۵ خرداد، با آوردن ۱۵ هزار شهید و هزاران مجروح، یادآور یکی از بزرگترین جنایات رژیم پهلوی و زنده کننده خاطره قیامی است که راه گشایی انقلاب دوم ایران گشت. ۱۵ خرداد، از آن جمله رویدادهای شایسته که مسیر تکامل جامعه ای را تعیین کرده و تکانهای بزرگی را بدیدمیاورد و بر تاریخ کشور چنان مہری را میکوبد که هیچگاه پاک نخواهد شد. ۱۵ خرداد به انقلاب ما یک

چیز را نشان داد و آن اینک از طریق معاشات و سازش - جوئی با رژیم پهلوی، نمی توان حق خود را گرفت. سالهای ۲۲ - ۲۲، سالها غلبه مشیهای سازشکارانه بر جنبش مردم ما بود. احزاب (بقیه در صفحه ۲)

مرکز مقاومت در برابر جنگ تعمیلی کردستان، از سنندج به بانه و سرده سست منتقل شده و اینک تبر دستخشی در این منطقه و بیوزنه بانه در جریان است. ارتش و پاس - داران کماکان به تقویت مواضع خویش مشغولند و ستون پشت ستون به کردستان اعزام میگردد. بمباران ها کما - کان ادامه دارد و مردم شهرها

و دهات مختلف کردستان زیر آتش مرگبار رهایی کوب پترها، فانتومها و غمبارها های ارتش، خانه و کاشانه خویش را تخریب کرده، آواره، دشت و بیابان میشوند. ارتش و پاسداران سر مست از "فتح" سنندج، به بیورش ضد انقلابی خویش افزوده اند و از قرار استقرار به "فتوحات" خود افاضه کرده اند. در سنندج پیگردو دستگیری و شکنجه و اعدام مبارزین ادامه دارد و محاصره اقتصادی همه شهرهای کردستان با شدت تلمذ دنبال میشود. بنظر میرسد که با "فتح" سنندج، دست جنگ افروزان قوی تر شده و آنطور که از بهیام های آیت الله منتظری و قدوسی و رجز خوانی های خامنه ای بر میآید، خیال آتش بسس و صلح ندارند و گمان کرده اند که قدم به قدم همه چیز را "فتح" خواهند کرد. پس باید بیسه فعالیت خود در حمایت از خلق دلاور کرد افزوده و از همه جهات به یاری آنها شتافت. (بقیه در صفحه ۴)

آنقدر شور بود که

دست و پا بوسی های "شاهانه" میانداخت. فخرالدین - عجازی "نما بنده اول تهران" که درس چابلقی و تعلق و نوکرمندی را در پیشگاه شاه و ساواک و آمریکا آموخته است، آنقدر تعلق گفت و چابلقی کرد که حتی صدای اعتراض آیت الله خمینی را نیز برانگیخت. او در سخنان خود آیت الله خمینی را با صفاتی چسبون "قاسدا"، "رهبر" (بقیه در صفحه ۵)

در جریان دیدار شما - بنندگان مجلس با آیت الله خمینی، ملت ایران شاهد صحنه های بودند که پیشک هر بیننده و شنونده ای را به یاد دوران سیاه محمد رضا شاه و مجالس "سلام" و

توطئه علیه معلمین آگاه
و مبارزان را در هم شکنیم!
صفحه ۶

سالگرد ۱۵ خرداد

(بقیه از صفحه اول)

بسیاری از سردمداران حکومت کنونی، در آن سالها نیز چسبون امروز سازشکاری را پهنه کرده بودند. شعار "نهضت آزادی"

و دستجات وابسته به بورژوازی ملّی ایران که مردم ما کفار و ممالکات جوشیها پشان را بسا خون خود در گودنای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برداختند، در این سالها همچنان همان کسور راه رفرمستی گذشته را پیمودند و در شرایطی که تحت تاثیر وضع و خامت بار اقتصادی و سخت شدن سلطه رژیم پهلوی و بالا گیری مبارزات خود جوش مردم، اوضاع فاسادی برای نابودی رژیم فراهم گشته بود، با شعار "شاه باید سلطنت کند و نه حکومت" و "اصلاحات آری، دیکتاتوری نه" با همیدان گذاشتند و کوشیدند تا مبارزات مردم ما را نیز بدنبال این شعارها بکشانند. جریاناتی چون "جبهه ملی" و "نهضت آزادی" در آن سالها میخواهند تا شاه پارلمانی بگشا بدو به آنها نیز چند کرسی دهد و در نتیجه بجای مبارزه انقلابی برای برانداختن رژیم، شعارشان "انتخابات آزاد" بود. ۱۵ خرداد، هر همه این باوه کوشیها خط بطلان کشید و به جنبش دموکراتیک و فدا مهربا لیستی ما آموخت که در مقابل رژیم این چنین مرتجع و وابسته و تابدندان ملّح، سخن از "اصلاحات" و "آزادی" را نندن و دوری جستن از مبارزه انقلابی، جز خیانت و ممالکات و سازشکاری هیچ نیست.

کاران جدا ما خفتند و این جدا شی و جمعی بندی سرآغازی شد برای جنبش نوین انقلابی خلق. از این رو قیام ۱۵ خرداد ۱۳۳۲ را باید نقطه عطفی در تاریخ مبارزاتی و انقلاب ملت ما بحساب آورد.

امروز پس از گذشت ۱۷ سال از آن قیام پیرشکوه و پس از پیش از یکسال و نیم از قیام بهمن ماه ۱۳۵۲، شاهد آن هستیم که بسیاری از همان نیروهای که هزاران شهید ۱۵ خرداد، با خون خود شدند محکومیت سازشکاری و ممالکات جوشیها پشان را امضاء کردند. میوه های قیام بهمن ماه را بیخ خود چیده و همان راه و روش گذشته را احیاء نمودند و بیشتر مانده برای گذشته مهر نشاید نیز میگذارند. بازگان، آن دوره را زیر عنوان سیاست "گام به گام" توجیه میکنند و مراجع و روحانیون سازشکاران را نیز "تقیه" در آن سالها مجازی مکار، مبلغ غلطی "اصلاحات شاهانه" بود و در روزنامه ها به نفع "رفراندم شاه و ملت" قلم میزدند و از مردم تقاضای "رای آری" نمودند و امروز بعنوان "نماینده" اول تهران، برای نیروهای مشرفی و انقلابی شاخ و شانه میکشند و بر علیه انقلاب توطئه می چینند. بهشتی در آن سالها موجب بگردد ربا رسید و بعد نیز در شرایطی که همه مبارزین و منجمله آیت الله خمینی تحت پیگرد بودند، با خیال راحت با سپورتنش را از ساواک گرفت و به ها مبورگ رفت و در عرصه جدیدی به همان خدمات گذشته پرداخت و امروز در راس حزب معلوم الحال "جمهوری اسلامی" و دبیوان عالی کشور، و "شورای انقلاب" ما هراسه

در خدمت به اربابان گذشته نقش بازی میکند. گفتیم که ۱۵ خرداد ۴۲ برای مردم ما و جنبش ما بسک درس داشت و آنهم خط بطلان کشیدن بر همه راههای سازش کارانه و همه نیروهای سازش کار و ممالکات جو، اما امروز پس از گذشت ۱۷ سال میبینیم که بسیاری از همان کسانی که در آن زمان بدرستی طرد شدند، بر مسند ممالکات و وزارت و وکالت نشسته اند. اگر سالهای ۴۲ - ۴۹ سالها ممالکات بار رژیم پهلوی بود، امروز که این رژیم به لطف مبارزات مردم و قیام بهمن ماه ۵۷ سرتگون شده است، همان راه و روش در برابر امپریالیسم آمریکا و نهادها و نیروهای بازمانده از رژیم گذشته تکرار میکنند. پاس داری از خون شهیدان ۱۵ خرداد، طلب میکنند که یکبار دیگر و اینبار برای همیشه دست رد بر سینه این سازش کاران و فدا انقلابیونی که بدروغ خود را وارث شهیدان سیاسی انقلاب از وجودشان پاک کرده. امروز همان کسانی که در ۱۵ خرداد ۴۲ در کنج خانه هایشان خیزیده بودند، همان کسانی که با ممالکات گری راه را برای پورش ارتش شاه و کشتار پیش از ۱۵ هزار نفر آماده ساختند، همان کسانی که با دربار سلطه روحانیت مبارز و جنبش مردم دست به یکی کرده بودند، همان کسانی که شهیدان ۱۵ خرداد با خون خود سند محکومیتشان را امضاء کردند، همان کسانی که در تدارک توطئه شومی بر علیه انقلاب و نیروهای انقلابی هستند و میخواهند تا بقیه در صفحه ۳

هوشیا ره بود. در حالی که ساواکیها به لطف "ملو امام" آزاد شد و راست راست میگردد. نده، تطفیه ضد انقلابی نیروهای مترقی در ادارات و فرهنگ و

سالگرد ۱۵ خرداد

(بقیه از صفحه ۲)

ارتش بالا گرفته و خیال دارند که یک "انقلاب فر-هنگی" به همان سبکی که با کشتن دهها دانشجو و مجروح ساختن هزاران نفس در دانشگاه ها انجام دادند، در این مراکز نیز صورت دهند. لیستی که ساواک در دوران بختیار تهیه کرده و شامل نام و نشانی بین ۴ تا ۶ هزار نفر از مبارزان و انقلابیون میباشد، را دوباره علم کرده اند و "شنا مائی" عناصر صریح و انقلابی بالا گرفته است. موج دستگیری ها افزایش یافته و بسیاری از جوانان را به "جرم" فروش نشریات مترقی و انقلابی بزنند. انداخته اند. اینها و دهها نمونه دیگر، همه نشان دهنده تدارک توطئه شومسی است که صحبت انجامش را کرده اند. شک نیست که همه منظوردا من زدن به چنین توطئه ای، سردمداران این حرکت سیاه، دست به تهریک وسیع زده، آشوب به پا خوا-هند ساخت، تا شرایط برای انجام این برنامها از همه جهت آماده شود. لکن ایمن یک روس بگه است. روی دیگر که، تدارک وسیعی است که امپریالیسم آمریکا و یادی و مزدوران و همدستان داخلی اش برای انجام یک کودتای خونین آمریکا می دیده اند و بسیاری انجامش بر روی همین قبیل

۱۵ خرداد را به صحنه یک جنگ برای درکشی و یک توطئه سیاه تبدیل نمایند. از مدتها قبل، زمزمه این توطئه، چه در درون محافل حاکمه و چه خارج از آن بگوش میرسد. گفته اند که "۱۵ خرداد روز تطفیه حساب است"، گفته اند که "۱۵ خرداد در روز چپ کشی است"، گفته اند که "۱۵ خرداد در روز مبارز همدکشی است"، گفته اند که "۱۵ خرداد روز استقرار امنیت کامل (به خوانید سرکوب کامل) است". بهشتی او بگو، و آیت از سوی دیگر، رفسنجانی از یکسویها منهای از سوی دیگر، غفاری از یکسویها و از سوی دیگر، همه و همه، بنوعی در سخنرانی ها و رجزخواشی ها - بیان خبر از توطئه شومسی را داده اند. برآستی در ۱۵ خرداد چه میخواهند بکنند؟ چه برنامه و توطئه ای را بر علیه انقلاب و نیروهای مترقی و انقلابی تدارک دیده اند. ۱۵ خرداد در روز تعطیل دانشگاه ها و "ساکت" شدن این کانونهای مبارزاتی است و این خود علامت خطری است که هوشیاری هر چه بیشتری را طلب میکند. نطق های تحر-یک آمیز و تحریک احساسات مذهبی مردم، که این روزها با مبران کودتای ۲۸ مرداد چون فلسفی، صفت بندان مشغولند، زمینه و علامت خطر دیگریست که باید در برابرش

و در این میان نیز گروهی را نیز به سبب تمصبات تنگ مذهبی شان بقریبانگاہ می-برند.

با توجه به آنچه گفته شد ضروری است تا همه نیروهای مبارز و انقلابی با هوشیاری تمام به وقایع روزها و هفته های آینده برخورد کنند. آماده گئی مقابله با هر شرایط و تحولاتی را داشته باشند. باید از افتادن در دامی که توطئه گران گشوده اند بشدت پرهیز کرد و هیچ کاری را عجولانه انجام نداد. باید از عکس العمل های چپ روانه و پادادن به تحریکات ضد انقلابی به شدت پرهیز کرد و اوضاع را در مجموع و با هوش-یاری نگریست. مبارزین و انقلابیون شناخته شده (چه چپ و چه مذهبی) خود را داشته باشند و همه تدا بپیر لازم را اتخاذ نمایند. علاوه بر اینها ضروری است تا همه هنگی لازم میان کلیه نیروهای مترقی و انقلابی برای مقابله با شرایط پادیده بوجود آید و پراکندگی موجود برطرف گردد.

۱۵ خرداد، یاد آور حماسه قیام ۱۳۲۲ است و آنها-شی که امروز بدروغ خود را وارث این قیام و دستاوردها آن معرفی میکنند، میخوا-هند تا ۱۵ خرداد دیگری را به مردم ما تحمیل گردانند. با بدبا تمام قوا به خنثی کردن این توطئه برخاست.

"حقیقت"

ارگان اتحادیه

گه نویسندگانی ایران

را بخوانید و در

میان مردم پخش

کنید.

آشوب ها نیز حساب میکنند. رادیوی "صدای ایران"، با صدای شوم کودتا جهان آمریکا-شی، که این روزها زیر عنوان "ارتش آزادیبخش ایران" و "نیروهای رهاش بخش ملی" از خارج پخش میشود، آشکارا خبر از تدارک چنین کودتایی میدهد و فعل و انفعالات درون ارتش و رفت آمدهای مشکوک، تشکل با بنی ساواکیها و سر-ما به داران و زمینداران بزرگ، همه در تاشدها بین تدارک شوم میباشد. چندی پیش در بسیاری از پادگانها ایران، نامه ای به امضای اویسی جلاد پخش گردید که "نوید" بازگشت وی را می-داد و او حتی بمنظور جلب عناصر "متزلزل" به تمام کسانی که در این دوران با "جمهوری اسلامی" همکاری کرده اند نیز وعده "عفو" داده است. آمریکا و اسرائیل از اتباع آمریکا شی و نزدیکان اسرائیل در جامعه یهودیان ایران خواسته اند تا هر چه زودتر ایران را ترک کنند و دو هواپیمای سوئیسی آماده انتقال آنها هستند. در شیخ نشین ها حرکتات مشکوک زیاد به چشم میخورد و بیک کلام همه چیز بیانگ-دا منه یافتن تدارک بسیاری یک تنها سیاه آمریکا شی است. از اینجا میتوان نتیجه گرفت که آشوب و سرکوب-شی که سردمداران توطئه چنین "حزب جمهوری اسلامی" برای ۱۵ خرداد و با بعد از تدارک دیده اند بطور مستقیم در خدمت چه کمانی بوده و شرایط را برای چه نیروها و برنامه ای آماده میسازد. شک نیست که در میان این سردمداران، افراد بسیار-بقه و مشکوک با آمریکا و یادی داخلی اش در ارتباط بوده، دست در دست هم حرکت میکنند

بر حمایت خود از کردستان مقاوم ببقایید

بقیه از صفحه اول

جستن از پراکندگی بی برده؟
بهر روم با سهم خود از
همه نیروهای مترقی و انقلابی
بمنظور ایجاد این قبیله
کمیتها و سازمان فضا -
لیت مشترک در این عرصه
دعوت بعمل میآوریم و منتظر
داریم که پاسخ مساعدی نیز
بشنویم. با پدیا تمام قوا با این
نقطه ضعف پایان دهیم.

نقطه ضعف دوم مربوط
است به مسائل درون کردستان
آن پراکندگی که تا مبردم با
کمال تاسف در کردستان نیز
پیش میخورد و بدتر از این عدم
وجود یک سیاست روشن و صحیح
در ارتباط با محاله کردستان و
جهت مقاومت و مبارزه خلیق
دلور کردستان. این پراکندگی
به حدی است که چندی پیش
هزاران نفر از آوارگان
رانده شده از سقز که فعلا در یو -
کان به سر می برند، به همراه
مردم شهر بوکان تظاهراتی با
خواست " ایجاد ستاد مشترک"
برگزار کردند و از نیروهای
فعال در کردستان خواستار
ایجاد یک " ستاد مشترک" گردیدند.
بدین ترتیب میبایستیم
که مردم خود پیش از هر کس دیگری
به ضرورت وحدت بی برده و از
این پراکندگی به تنگ و بسته
ستوه آمده اند. متاسفانه برخی
از نیروهای مبارز و انقلابی
فعال در کردستان هنوز به این
ضرورت بی نبرده و به عنوان
مختلف پراکنده گی را حفظ
می نمایند که نتیجه ای مگر
ضعف همه نیروها ندارد. از این
پراکنده گی بیش از هر کس در
درون کردستان نیروهای
معاظه گر چون حزب دمکرات
سودی برند و قافا در می شوند تا با
سوا استفاده از این پراکنده -

گی ها اهداف خود را به پیش
برند. ضروری است تا ستاد
مشترک همه نیروهای انقلابی
و مبارز فعال در کردستان هر
چه سریعتر شکل گیرد و نیرو -
های پراکنده با برنامهم و
سیاست مشترکی مقاومت را
ادا مدهند. بر همین زمینه
ضروری است تا با آورشیم که
علاوه بر ضعف یاد شده، ضعف
دیگر و مهمتری نیز بر دوش
مبارزین کردستان سنگینی
نمیکند، و آن همانا فقدان یک
برنامه و سیاست روشن در بر -
خورده با اوضاع کنونی و ادامه
تعولات و رویدادها و جنگ
بقا و مت صیبا شت. عدم وجود
یک سیاست روشن و واحد و
همچنین انحرافات گوناگون
در سنجش فاجعه آفرید که در
جای دیگر و زمانی دیگر
مطمئنا بدان خواهیم پرداخت
و خطر آن هست که همین ناسا -
بسا مانعی ها در بر نهد و بوکان
و مها با دست زنگار شود و جنبه
مقاومت از درون دچار رستی
و از هم پاشیدگی گردد. عدم
وجود یک سیاست صحیح و واحد
صرفا به جنبه نظمی محدود
نشده، بلکه مهم تر از آن عرصه
های دیگری را نیز در بر می -
گیرد که ریشه در ضعف های
گذشته و اعمال سیاست های
نا درست بخصوص در زمینه عدم
توجه به مساله دهقانی و ایجاد
با یگانه های محکم روستائی بر
اساس تا مین نیازهای عاجل
دهقانان و معادله و تقسیم
اراضی مالکان بزرگ و ایجاد
و تقویت شوراهای دهقانی
دارد. به هم این مسائل باید
فوراً رسیدگی شود. رها کردن
آن به حساب عمده بودن خود -
(بقیه در صفحه ۵)

وظایف مهم ما در حما -
یت از مردم کردستان
است. این وظیفه، که معنای
جزا زمانه دادن پشتیبانی
سیاسی و عملی از سرداران و
خواهران کرد خود ندارد، حتی
از فرستان دارو غذا نیز
مهم تر بوده، باید در راس جدول
احتیاجات کردستان گذارده
شود. هما نظوری که قبل از این
آور شده ایم، خدمت به مردم
کردستان، معنای مکرر مبارزه
در راه خواسته های به حق آنان
ندارد و در شرایطی که رسیدگی
به این خواسته ها و اعلام آتش -
بس پیش از هر زمان دیگری
الویت پیدا کرده است، ضروری
است تا با احقاق این خواسته
های سیاسی با فشاری هر چه
بیشتری بنماییم. از این رو
ضروری است تا در همه مناطق
و شهرها، " کمیته های مشترک
دفاع از کردستان" بوجود آید
و از همه نیروهای مترقی و
انقلابی بمنظور شرکت در این
کمیته ها و هما هنگ ساختن
فعالیت های پشتیبانی از
خلیق دلور گردد دعوت بعمل آید
و به این پراکندگی و غرده -
کاری پایان داده شود. برخی
از نیروهای شرکت کننده در
جنگ مقاومت سنندج، چگون
" تشکیلات پیشمرگه های زحمت
کشان"، " پیکار"، " رزمندگان"
و " راه کارگر" در عرصه مقاومت
در عمل دست به ایجاد یک کمیته
مشترک نظمی زدند، آیا عملی
نیست که همین نیروها و مانند
آنها، در حمایت از مقاومت
مشترک، کمیته های مشترک
پشتیبانی نیز بوجود آورند؟
آیا باید حتما زیر رگها و رعمپاره
و گلوله بود تا به ضرورت فعا -
لیت و همکاری مشترک و دوری

علیرقم مقاومت و مبارزه حما -
یت آفرین خلق دلور کردستان -
دتها بی حسابی که پیش -
مرگان قهرمانش در جنبه
جنگ مقاومت آفریده اند،
موقعیت مبارزه در کردستان
دو ضعف اساسی دارد که تا بر -
طرف نشوند، نتیجه مطلوب به
دست نخواهد آمد. این دو ضعف
یکی جدا افتادن کردستان از
سایر مناطق ایران و دیگری
موقعیت سیاست های برخی
از نیروهای درگیر در این
جنگ میباشند.

هما نظوری که پیشتر نیز
ذکر کردیم، هیئت حاکمه می -
گوشد تا به هر قیمت که شده یک
توطئه ارتجاعی سکوت را در
قبال اخبار کردستان ببیش
برد و تا حد امکان از مطلع شدن
مردم ایران نسبت به آنچه در
آنجا میگذرد جلوگیری نماید.
بند، هدف معافل حاکم زاین
کار روشن است، آنها می -
خواهند با خیال راحت هر
کشتاری را که میخواهند انجام
دهند و کسی هم از آنها باز -
خواست ننماید. از این جهت
مثلا بدروغ مینویسند که
" هزاران نفر از نما زخمه
سنندج استقبال کردند، حال
آنکه حتی دوربین های دروغ
ساز تلویزیونی شان هم نتوان -
ست بیش از ۵۰ هزار این
" جمعیت عظیم" نشان دهد.
وضع آنها آنچنان ضعیف است
که مجبورند، از تهران کسانی
را بعنوان " گروه های مقیم
سنندج" با نجا بفرستند تا در
برابر تلویزیون دروغ پر -
دازی کنند. در هم شکستن این
توطئه سکوت و جدائی، یکی از

آنقدر شور بود که ...

(بقیه از صفحه اول)

درستی در برابر این همه تعلق گوئی و جا - پلوسی لب به اعتراض گشود و حجازی مکار را مورد شامت خود قرار داد، لکن نخواست

" اما ما " ، " ایمان مدا - را " و کسی که " مصباح " جانش " آنچنان میدرخشد که تاریکی زمان را در هم می پیچد " و کسی که " نوراللة " در " زجاجه پیشانی بلندش میدرخشد " و " سلیمان زمان " و " داود عمر " و کسی که " ایسران " برای حکومتش " تنگ " است و خدا وعده حکومت بر جهان را به او داده است و " زیتونه مبارکه " و " پارسای شب " و " شیر روز " مخاطب قرارداد و چنان محنه نفرت آوری از نوکومنتی و تعلق گوئی بهار آورد که همه فهمیدند . فخر - الدین حجازی ، " نماینده اول تهران " ، یکی از عوامل اجلی تحریک مردم بر علیه نیروهای انقلابی و جلادها - فران افغان ، سابقه و پیوندهای سی سیاه دارد و در گذشته نیز در برابر شاه همین تعلق گوئی ها را میکرد و اینها را نیز در همان مکتب سنگین آموخته است .

تا کار را از حدیک " گله " بالا تر برد و به اساس این نوکومنتی که ریشه در ما هیت هیات پیشه حجازی و حجازی ها دارد بر خورد نماید و در عوض از حجازی بعنوان " ناطقی زبردست " و " مسلمان متعهد " نامبرد . اما این " مصلحان متعهد " که جز تحریک بر علیه نیروهای مترقی و انقلاب ، جز رجز خوی - نی ، جز تعلق گوئی و نوکر - منشی ، کاری بلد نیستند و سابقه اش نیز در خدمت به رژیم شاه سیاه میباشد ، چه " تعهدی " دارد و " تعهدش " به چه کسی است ؟ چگونه می - توان این نوکر را که در زمان شاه نوکر دربار بود " متعهد " نامید . تعهد او به مقام و مهر کسی که قدرت را در دست دارد ، خلاصه میشود و در همه حالات موجب کبریا میریا لیسیم آمر - یگاست . گله کردن از چنین اشخاصی کافی نیست ، باید دستور دستگیری و محاکمه و مجازات فوری آنها را صادر کرد .

از این محنه های نفرت آور که بگذریم ، آیت الله خمینی در سخنان خویش در این دیدار ، تا کبیرا بسیر همان غطی گذاشتند که مدتی است پیگیرانه دنبال می - کنند . " وحدت " ، " وحدت مجلس و دولت " ، " وحدت دولت و مجلس " ، " وحدت رئیس جمهور و مجلس " ، " وحدت نمایندگان مجلس " ،

این خط که میکوشد همه جناح - ها و محافل مختلف را کمره را بگردیک " توحید ناب " متحد گرداند ، در عمل مصالح انقلاب و مبارزه خدا میریاست - لیستی جاری افدای " حفظ وحدت " میان جناحهای مختلف حاکمه گردانیده ، به حساب راضی نگه داشتن همه جناحها ، همه ملت ایران را نا راضی میکند . مجلس نماینده دولت را " تضعیف " کند و دولت هم نماینده مجلس را " تضعیف " نماید ، اما اگر هر دوی اینها مبارزه بزرگ ملت ما را بر علیه امپریالیسم آمریکایی " تضعیف " نمایند ، چه این " وحدت " ها به سود چه کسی است ؟ آیت الله خمینی از " تفرقه " و " نفاق " بی - زار است و آنرا در خدمت آمریکا میداند . حال آنکه آن کسان - نی که امروزه " وحدت " دعوت شده اند ، خود بزرگترین تفرقه افکنان در میان ملت ما هستند و وحدتشان نیز جز ضرر هیچ به مزاج نخواهد داشت . مردم ما خواهان یک وحدت فدا میریالیستی - انقلابی ، هستند ، نه وحدت میان سازشکاران و ضد انقلابیون . از این گذشته ، آن وعدتی که امروز از جانب آیت الله خمینی طلب می - شود ، در عمل هیچگاه برای مدتی طولانی تحقق نخواهد یافت ، زیرا در شرایط حساس کنونی کشوردا منته کشاکش درون محافل حاکمه آنقدر بالا گرفته است که هر وحدت و " یکدلی " گذرا بوده ، به محض رودروشی با مسائل جدید ، که هر روز آزارها می - رسند ، از هم پاشیده خواهد شد . در جریان حمله نظامی آمریکا نیز اعضاء " شورای انقلاب " از سوی آیت الله خمینی به " یکدلی " دعوت

شدند ، لکن یکدلی شان چند روزی بیشتر با پادار نماند . این نا پاداری ، ناشی از عدم ثبات هیئت حاکمه ، ناشی از قطنی نشدن تفوق یک نیرو بر نیروهای دیگر و با لاف نه ناشی از جایگاه متزلزل - مجموعه این نیروها است ، " وحدت " ایسان زمانسی تا همین میگردد که یکی بر دیگری تفوق کامل یافته ، رای خود را به آنها تحمیل نماید و این کار نیز با لجا را از درون یک مبارزه حاد حاصل توانند و نه از طریق " بحث های سالم اسلامی " . این منطق مبارزه طبقاتی است و آنکس که آنرا با ورنده ارد ، کافی است تا با چشمانی باز به رویدادهای چند هفته گذشته بینگردد ، تا حقیقت را دریابد . همین نمایندگانانی که این سخنان را از آیت الله خمینی سید - ند ، روز بعدا کثرا اعلام کردند ، که این رهنمودها بمناسبت " عدم فراگسیون در مجلس " نبوده و با لاف نه میان " اقلیت " و " اکثریت " کشاکش خواهد بود . پس این وحدت طلبی ها نه تنها سودی به حال ملت ما ندارد و جناح های سازشکار و فدا نشدنی را کثرا یکدیگر ردیف کرده و از نیروهای مترقی و فدا میریالیست نیز می طلبد تا با اینان همسر - یستی نمایند ، بلکه واقع - بینانه و عملی نیز نیست و در عمل صرفا مردم را خام کرده ، تصویریک رژیم " متحد " و ثبات یافته را در شرایطی شباهتی کنونی عرضه میدارد و آنها را از مبارزه برای برانداختن نیروهای سازشکار و ضد انقلابی بر حذر میدارد . *

برحسب خود از
مختار رویا موكول نمودن آن به كسب خود مختاری ، سیاستی غلط و نارواست . تجربه ایجاد " بنك ها " در سنجندج مقامست . حماسه آفرین این بنك هاست . فقط نمونه كوچكی از دستاورد های يك سیاست اصولی است . این نمونه اگر به ما پیر نقاط و بخموس رویتاها منتقل شود ، دژی را خواهد ساخت که تخیر نشدنی است . ما به سهم خود از همه نیروهای انقلابی فعال در جنگ مقامت کرد - ستان می طلبیم تا هر چه سرپرتهای ایجاد " ستاد مشترک " اقدام و روزندوبها یک بررسی همه جا نبه از تجربیات مثبت و منفی یکسال گذشته ، بسک سیاست اصولی و همه جا نبه را در پاشگوشی به نیازهای عاجل جنبش در کردستان و همچنین ادا مة مقامت و ایجاد آن طرحریزی نمایند . *

توطئه علیه معلمین مبارز و آگاه را درهم شکنیم

آموزش و پرورش استان پریده که "در تمام مناطق جاسوس گذاشته اند و حسابی معلمین فعال شناخته شده اند. چندین و چند بخش ما در باره جلوگیری از فعالیت انقلابی دانش آموزان ما در غده است.

معلمین و دانش آموزان مردم مبارز گیلان، ارتجاع و فدا انقلاب دست در دست هم به نابودی تمامی دستاوردهای انقلابی خلقهای مان مشغول اند. با افشای دسیسه های آنان و با صفوف منظم و متشکل خود متحدا در برابر این برنامهای ضد انقلابی بایستیم.

مرگ برتر فرقه اندازان - مرگ بر ارتجاع، تنگ برمازش - کار - امپریالیسم نابود است، انقلاب پیروز است! رهروان راه "حقیقت" - گیلان ۱۳۵۹/۲/۲۸

در پاسخ یکی که پرسیده بود معلمین امتحانات نهایی چهارم را تقبل نمی کنند که برگزار کنند گفته است که "به درک که نمیکنند، می دهیم به معتمدین با زار که برگزار کنند."

"لطفی" که در فومسین مسئول آموزش و پرورش است گفته که با بد معلمین "چپ" را که بد آموزی میکنند محاکمه کرد و بزدان انداخت، رئیس منطقه آموزش و پرورش رشت راهم که "دستوری" مبنی بر معرفی چند معلم فعال و مترقی را رعایت نکرده است تا ز کار برکنار کرده اند. انعامی در پاسخ این که ۷۰ نفر معلم در تخمین بر میزنند گفته "گور پدر ۷۰ تا از این اعتمادی ها، نمی خواهیم، اطلاعاتی ها را نمی خواهیم" و از ذهن رئیس کل

بندهای از آموزش و پرورش کل (وزارت - خانه) در جلسه حضور داشته اند. اول برای ارباب روسای مناطق از جلوی درب ورودی تا اتاق کنفرانس سه بار اینها را با زرسی کرده - اند و دوم اینکه استانساز، کریمی و دوسه نفر دیگر از نزدیکان آنها همگی مطلع بوده اند و سه چهارم آنها سواد هم در اطاق بوده است. موضوع صحبت تمام و کمال راجع به چگونگی جلوگیری از فعالیت های انقلابی معلمین و معلمین بوده است، در پی صحبت های ظاهرا "آموزشی"، استاندا گفته است کسه تمام نطفه های "کشافات فدا انقلابی" از مدارس است و همسهاش هم تقصیر دانش آموزان نیست معلمین هم مقصر هستند. حتی

روز سه شنبه شانزدهم اردیبهشت ۵۹/۲/۱۶، جلسه ای در استاندار گیلان (رشت) برگزار گردید، در این جلسه استاندار (انعامی) و کریمی دادستان (فرماندار پست و تلفت بدست سابق لاهیجان) و یک آخوند بنام "حسینی" از گردانندگان اصلی معنیه بودند.

مدیر کل آموزش و پرورش استان گیلان، بهمن رهنما، (تمامی مدارک وی نال برای آنکه چگونه قبیل از قیام، حرکت معلمان را با حکم رسمی سرکوب نموده است، موجود است.) به ملاوه کلیه روسای آموزش و پرورش مناطق استان گیلان و کویا نما -

آمریکاست! رهروان راه حقیقت - گیلان ۱۳۵۹/۲/۲۷

و پس از بازگشت هیئت اعزامی موقوفول شود. وفعلات معتمدین با مهلتی بکهنه های به مقامات مسئول تا حصول نتیجه شکسته شده است.

ما ضمن حمایت از خواسته های خانواده های زندانیان سیاسی مبنی بر آزادی فوری دستگیرشدگان و قایع خونین دانشگاه گیلان از کلبه کارگران، دهقانان، زحمتکشان، دانش آموزان، دانشجویان، افراد و نیروهای مترقی و انقلابی می - خواهیم که خواست آزادی فوری زندانیان سیاسی دانشگاه گیلان را با تمام امکانات تبلیغاتی و افشاگرانه خود و برای جلب حمایت بیشتر، بگوش مردم مبارز گیلان خصوصا رشت برسانند.

زندانیان سیاسی دانشگاه ما با پدازا دگردند!

زندانیان سیاسی دانشگاه باید آزاد

برای آزادی زندانیان به عمل آمادحاطی عاید نشد. به همین علت از طرف خانواده های زندانیان سیاسی دانشگاه از روز سه شنبه ۲۷/۲/۵۹ در محوطه دادگستری استان گیلان اعلام تخمین شد. در این روز پس از ملاقات با مقامات دادگستری استان قرار شد که هیئتی ۶ نفره (۲ نفر نما - بنده خانواده زندانیان سیاسی - ۲ نفر از استادان دانشگاه گیلان و ۲ نفر از روحانیون) برای مذاکره با بنی مدرسه مرکز بیرونند. بر طبق این قرار چون عزیمت این هیئت بعد از ظهر همین روز صورت میگرفت تصمیم گرفته شد که تخمین با عدم انجام تخمین با توجه به نتیجه

گردان سیاسی

پس از پیروزی و حشیانسه جماعتاران حزب جمهوری اسلامی به رهبری بانده سر - کویگر غفاری سانصاری - کریمی به دانشگاه گیلان، عده زیادی از افرادی را که طی این پیورش دستگیر شده بودند، علی رغم اعتراضات مردم مبارز رشت، استادان، دانشجویان و خانواده های زندانیان سیاسی به زندانهای قزوین و اوین اعزام کردند. این عده که ظاهرا تعدادی از آنان در دوباره به رشت انتقال داده - اند هنوز در بندند و آینه شده و سرنوشت آنان روشن نیست و با اینکه چندین بار با لاهوتی نما بنده اما در استان گیلان

فلاحی، مزدوری که... گذار دهند، همانها می هستند که در طی انقلاب مردم ما پیش از ۷۰ هزار رگشته و ۱۰۰ هزار زخمی بجای گذاشتند. و امروز در سراسر ایران مشغول توطئه هستند تا زمینه را برای یک کودتای ارتجاعی فراهم کنند و حتی به کسانیکه امروز به حمایت از این فرقه مانده اند برخاسته اند و نیز رحم نخواهند کرد، تکیه بر این ارتش و فرماندهانش، حکم گرفتن چاقوا زلبه تیزش را دارند! هشدار با شید و با رشت کنونی هیچ چشم ندانسته باشی!

کمکهای مالی خود را به هر طریق ممکن ارسال کنید

اگر خدای نا کرده یک روزی پادگانی سقوط کند و لیبین مدعیان ما همین گروه خواهند بود" به همین دلیل امروز دعوت کردیم و گفتیم برای در بلند شو و

ار دبیهشت ۵۹/۲/۱۶ جلسه، روسای مناسـ در استاندا فلاحی، مزدوری که ... برگزا بقیه از صفحه آخر

برویا نه که پادگان در آستانه سقوط است تا فردا جای گله گزاری نباشد. عجبا، برای جلوگیری از گله‌گزاری است که سربازان "متمهد به اسلام" را به جنگ علیه خلق کرد می فرستند. آنهم چگونه، با سلاحی سبک، که ظاهرا برای حفظ جان خود سربازان را برود، سربازانی که در قیام مردم شرکت کرده اند، بدانند که اینها همه اش تو طشه است، تو طشه ای که با بجان هم انداختن مردم علیه مردم و بویژه سرکوب مبارزه بحق خلق کرد توسط شما، میخواهد ارتش را از نیروهای بقول خودشان مزام تصفیه نمایند تا دستهای متشکل ارتجاعی ارتشیمان را حفظ نموده و برای انجام یک کودتا آماده نمایند، اینان با یک شهردونشان میزنند، یکی جا معه را با غشاش می کشانند و مردم را بجان مردم می اندازند، و دوم وجود شهروندیهای مخالف آمریکا و نظام شاهنشاهی ارتش کنونی با اصطلاح اسلام آورده راحت می شوند و در موقع لزوم نیروی خود را بیرون کشیده و حساب شکستی را که در قیام ۲۲ بهمن ۵۷ خورشیدنهاک می کنند، این است هدف فلاحی های مزدور.

بنی صدر زمانیکه همافران و سربازان میهن پرست دست به تحمّن زده و خواهان تصفیه ارتش از فرماندهان آمریکائی شدند، همرا با تهدید و اکتیفا تو مقول پاک سازی ارتش را داد. از آن زمان

روز سه شنبه شانزدهم اردیبهشت ۵۹/۲/۱۶ جلسه، روسای مناسـ در استاندا فلاحی، مزدوری که ... برگزا بقیه از صفحه آخر

جبهه جنگ تحمیلی بر علیه خلق کرد، آنان را که مزار حمت هاشمی برای بازسازی ارتش شاهنشاهی و آمریکائی بوجود می آورند، سربیه نیست نمایند. البته آقای فلاحی منکر چنین تو طشه ای می باشد. با شنیدن بد هم باشند، تو طشه گر که به تو طشه خود اذعان نمی کنند. ولی علیه مردم می توجیهات سرشیب مزدور، جوانها می کشانند به غیره نگار که اینان داده است، خود گواهی است بر این مدعا.

فلاحی در باره این گروه مخالفان چنین می گوید: "این گروه در یک حالت تملیق عدمتی هستند، نه واقعا عضو سازمان سیاسی ایدئولوژیک هستند که خدمتی انجام میدهند و نه عملا میروند سرکار سازمانی خودشان که کارکنند. این وسط می چوند و این گروه تعدادشان هم خیلی زیاد است."

البته در قیام موس پلیس و آمریکائی آقای فلاحی "چریدن سربازان" یعنی این که عده ای از سربازان مواظب رفتار و اعمال ایشان هستند تا جلوی کودتای آمریکائی را که ایشان در کف پاسبان فرماندهان در پی انجام آن هستند بگیرند، حال چرا این عده را میخواهند بنده با نفرستند، فلاحی چنین می گوید: "اولا اینکه یک کاری انجام میدهند (که واقعا دلیل مهمی است!!) دوم اینکه

تا بحال نزدیک به ۳ ماه می گذرد و هیچ اقدامی هم در این زمینه نشده که هیچ، بلکه کسانیکه با پادگان ارتش تصفیه شده و دستگیر و مجازات شوند، یعنی کمترین ولیبرالیترین خواستی که ممکن است از دولت کنونی انتظار داشت، امروزه جای پای خود را محکم تر کرده اند. فلاحی با وقاحت کامل یک ارتشی شاه پرست اعلام میکنند که "در زمینه افسران و درجه داران تصفیه کامل شده است اما در زمینه سربازان نمی شود تصفیه کرد." (کیهان ۳ خرداد ۵۹) می بینید با کمال پروری می بروی مردم تف می اندازد. از خواست لیبرالی وساده لوحانه پاکسازی ارتش از فرماندهان مزدور، پاکسازی سربازان را منظور دارد. آری افسران و درجه داران مدتهاست پاکسازی شده اند و اصولا از زمان محمد رضا شاه خاشن پاکسازی شده بودند، و برای فرماندهان آمریکائی و شاه پرستی چون فلاحی پاکسازی نیز جز پاکسازی نوع آریا مهری معنا نمی ندارد. چون هر درجه دار و افسر میهن پرستی که در عرض ۳۰ سال گذشته پیدا می شد فوراً بر زندانها راه می یافت.

اگر قرار است ارتش پاکسازی شود همین فلاحی ها و شامپوها و باقری ها، دشمنان قسم خورده مردم هستند که باید پاکسازی شوند. خود فلاحی که در زمان طاغوت آنقدر میورد اطمینان بوده که بعنوان یکی از فرماندهان ناظر بر "جریان صلح" در ویتنام از سوی شاه خاشن انتخاب شده بودمی با بست دستگیر و اعدام شود. همین فلاحی هائی که به مدستی ظهیر نژادها فتوایها و مسرتجمعین کردستان را ملحق کرد دهاند تا مبارزه بحق خلق کرد را سرکوب نمایند تا بست دستگیر و مجازات گردند. ولیکن

دولت کنونی که ملقمه است از جناحهای باقیمانده رژیم گذشته و جناحهای از بورژوازی ملی و بقدرت رسیدگان حریص نوپای بورژوا و مالک و روحانی، تمامی اینها روی همین ارتش و فرماندهان کنونی اش حساب میکنند تا قدرت گذاشتن را حفظ کنند. روی همین ارتش که پایه پای آمریکا ای جناحتکار طرح حمله طیس را سازماندهی کرده است تکیه میکنند. و این است معنی سازشکاری دولت مردان کنونی که خود جا روکش ارتجاع و امپریالیسم شده اند و با دست خود کمک میکنند تا آمریکا ای جناحتکار طرح یک کودتای ارتجاعی را فراهم نماید.

در اینجا این راهم بگوئیم که اخیرا "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" از جمله مخالفین فلاحی شده است و از جمله انگشت روی این تو طشه فلاحی و همردیفانش گذارده است. ولیکن بغاطر تمصب کور و قشری حاکم بر این جریان اشتقاقشان از این گرگ صفتان ارتشی بیشتر از زاویه ای مطرح میگردد که چرا هواداران ایشان را با سلاح های سبک به کردستان می فرستند. عناد کوری که این جریان با مبارزات بحق خلق کرد می ورزد، با لطمع فلاحی ها را نیز متحدشان میکند. و اجازة نمی دهد که آقایان بفهمند چگونه بعضا به گوشت دم توب فرماندهان ارتجاعی ارتش واقع شده اند که بر علیه خلق کرد و مبارزات بحق آنان بکسار گرفته میشوند.

مردم ایران، سربازان مردم دوست و کسانیکه علاقه به سرنوشت ایران و توده های محروم خلق ما دارند، بدانید که رهبران این ارتش همان هائی هستند که روز خوشین ۱۷ شهریور را از خود بجا می گذاشتند (بقیه در صفحه ۶)

مزدوری که در فکر کودتاست!

مما حبه اخیر فرما ننده نیروی زمینی، سرتیپ فلاحی که در روزنا مه کیهان ۳ و ۴ خرداد منتشر شده است، یکبار دیگر تابت میکند که فرما ننده هان طاغوتی و نوکر آمریکسا در عین تحکیم مواضع خود در نظام جمهوری اسلامی در پی ایجاد زمینه های آشوب و اغتشاش هستند تا آمریکسا چنان بتکا ربتوانند در موقع مناسب دست به یک کودتای علیه انقلاب و انقلابیون بزنند و

سلطه مجددی رحمانه خود را اعمال نماید. ظاهرا موضوعی که خبرنگار کیهان را به معاصبه با فلاحی واداشته است ابراز مخالفت هاشمی بوده از سوی برخی نهادهای اسلامی درون ارتش شاهنشاهی مبنی بر اینکه فرما ننده هان ارتش قصد داشته و دارند تا با گسیل "سربازان مسلح" و متعهد به انقلاب اسلامی" به کردستان و قرارداد آن شهادر (بقیه در صفحه ۷)

زندگی کن

کرد و کردستان

شمر زیر توسط یکی از رفقای معلم به یاد خلق دلاور کرد سروده شده است. سراینده شعر برایمان نوشته که آنرا سرچلسه امتحان انشاء بچه ها و به یاد خلق قهرمان کرد و همه پیشمرگه ها پیش سروده است. با تشکرا ز این رفیق عزیز و به یاد قهرمانی های مردم کردستان، این شعر را چاپ میکنیم.

به خلق دلاور کرد، به همه پیشمرگه های قهرمان، به پیشمرگه های زحمتکش!

بژی کورد و کوردستان (۱)

تاسم برای "رشتایم" در "غرب" میزند. فکر میکنم و بیض راه گلویم را میبندد، آخرا رتجاع جبهه نیرو در ا موضی گرفته است.

چشما نم مرطوب میشود، آخردولت انقلابی نیرو در علیه "سرب جهان" را با "غرب خانه مان" عوضی گرفته است.

من اینجا نشسته ام، فکر میکنم و میگویم.

فکر میکنم، "دیوان سپید" (۲) غرب آسوده اند، زیرا "دولت" ما بیدار است.

و حیرت میکنم زیرا، ملت ما "غرب جهان" را میگوید دولت ما غرب خانه خودمان را.

فکر میکنم، مدها کیلومتر دورتر از "انجا" نشسته ام و فکر می کنم.

آخردیشب اخبار غرب خانه را شنیده ام.

میگویند: در غرب خانه مان، آب نیست، نان نیست و لسی بجای آن انواع کالیبرها هست از ۹ تا ۷۵.

دارو نیست ولی بجای آن، راکت است و خمپاره.

فکر میکنم و فکر میکنم، به رفقای "زحمتکش" فکر میکنم.

به آنها می که "مرگ" خویش را "پیش" انداخته اند.

ناگاه صدای میآید: آنا اجازه؟

به سوی او میروم، آغاز انشایش را نشان میدهد.

با نگاه میبپرد؟! اشکالی دارد؟

آخرا، انشایش را آغاز کرده است با:

"بنام خلق دلاور کرد"

۱- با یک



من اینجا نشسته ام و میگویم
نوجوانانی را که با هزاران هزار آرزو نشسته اند،
و هزاران هزار ستاره در دلهای پر امیدشان برق میزند.

من اینجا نشسته ام و میگویم
بنیاد آموزشی را که در آن هر نهادهای را میبینی به جز نهادهای
"انقلابی"

جوانانی را که سرب "برگه های" خویش دارند و گاهی ته قلم
هایشان را میچونند.

من اینجا نشسته ام و میگویم
در حال نگرین به فکر فرو میروم.

(۱) زندگی کن کرد و کردستان

(۲) اشاره ای به شعر "مجسمه آزادی" از نعمت میرزاده.